

مفوضات - تفسیر باب یازدهم از مکاشفات یوحنا

حضرت عبدالہاء

نسخہ اصل فارسی



تفسیر باب یازدهم از مکاشفات یوحنا - مفوضات - اثر حضرت عبدالہاء - بر اساس نسخہ طبع سنہ ۱۹۰۸ م

در باب یازدهم آیہ اول از مکاشفات یوحنا میفرماید " و نئی مثل عصا بمن دادہ شد و مرا گفت برخیز و قدس خدا و مذبح و آتائیرا کہ در آن عبادت میکنند پیمایش نما و سخن خارج قدسرا بیرون انداز و آنرا پیما زیرا کہ بامتها دادہ شدہ است و شہر مقدسرا چہل و دو ماہ پایمال خواهند نمود ". از این فی مقصود انسان کاملست کہ تشبیہ بہ فی گشتہ و وجہ تشبیہ اینست . فی چون درونش فارغ شود و از ہر چیز خالی گردد نغمات بدیعی حاصل کند و همچنین آواز و آہنگ او از خود او نیست بلکہ الحان فی الحقیقہ از نائست کہ در او میدمد همچنین آن نفس مبارک قلب مقدسش از ما سوی اللہ فارغ و خالی و از تعلق بسائر شوون نفسانی بیزار و بری و دمساز بنفس رحمانست و ہر بیانی کہ میفرماید از او نیست بلکہ از نائی حقیقی و وحی الہی است اینست کہ بہ فی تشبیہ میفرماید . و آن فی مانند عصاست یعنی معین ہر عاجز است و شخص امکانرا تکیہ گاہست و عصای شبان حقیقی است کہ بواسطہ او اغنام خویشرا شبانی میفرماید و در چمن زار ملکوت سیر و حرکت میدہد . و میفرماید کہ آن شخص بمن گفت " برخیز و قدس خدا و مذبح و آتائیکہ در آن عبادت میکنند پیما " یعنی موازنہ کن ذرع نما ذرع کشف کمیّت است . یعنی آن شخص گفت کہ قدس الاقداس و مذبح و آتائیرا کہ در آن عبادت میکنند موازنہ نما یعنی حقیقت حال آنرا جستجو کن و کشف نما کہ در چہ رتبہ و مقامی ہستند و



ORIGINAL



AUDIO

بچه شئون و کمالات و سلوک و صفات هستند و باسرار آن نفوس مقدّسه ای که در قدس الاقداس
 مقام تقدیس و تنزیه استقرار دارند مطلع شو " و سخن خارج قدسرا بیرون انداز و آنرا میپما زیرا بامتها
 داده شده ". در اوائل قرن سابع میلاد که اورشلیم استیلا شد قدس الاقداس بظاهر ظاهر نیز محفوظ
 ماند یعنی آن بیت که سلیمان ساخته اما بیرون قدس الاقداس سخن خارج ضبط شد و بامتها داده
 شد . " و شهر مقدّسرا چهل و دو ماه پایمال خواهند نمود " یعنی امّتها چهل و دو ماه که عبارت از هزار
 و دویست و شصت روز است و هر روزی عبارت از یک سال که باین حساب هزار و دویست و
 شصت سال میشود که مدّت دور قرآنت اورشلیم را ضبط و استیلا مینمایند . زیرا بنصّ کتاب مقدّس
 هر روز عبارت از یک سال است چنانچه در اصحاح چهارم از کتاب حزقیال در آیه ششم میفرماید " پس
 چهل روز متحمّل گاه خاندان یهودا خواهی شد هر روزی بجهت تو سالی قرار داده ام ". این اخبار از
 مدّت ظهور اسلام است که اورشلیم پایمال شد یعنی احترامش باقی نماند ولی قدس الاقداس محفوظ و
 مصون و محترم ماند . و این قضیه هزار و دویست و شصت سال امتداد داشت و این هزار و دویست و
 شصت سال اخبار از ظهور حضرت اعلی باب جمال مبارکست که در هزار و دویست و شصت هجری
 واقع شد و چون مدّت هزار و دویست و شصت روز منقضی شد حال اورشلیم شهر مقدّس دوباره بنای
 معموری و آبادی گذاشته و هر کس اورشلیم را شصت سال پیش دیده بود حال نیز ببیند ملاحظه
 میکند که چقدر معمور و آباد گشته و دوباره محترم شده . این معنی آیه رؤیای یوحناست بظاهر اما این
 آیه را تأویل و رمزبست دیگر و آن اینست که شریعة الله بر دو قسم منقسم یک قسم اصل اساس است
 روحانیاتست یعنی تعلق بفضائل روحانی و اخلاق رحمانی دارد این تغییر و تبدیل نمیکند این قدس
 الاقداس است که جوهر شریعت آدم و شریعت نوح و شریعت ابراهیم و شریعت موسی و شریعت مسیح
 و شریعت محمد و شریعت حضرت اعلی و شریعت جمال مبارک است و در دوره جمیع انبیا باقی و برقرار
 ابداً منسوخ نمیشود . زیرا آن حقیقت روحانی است نه جسمانی آن ایمانست عرفانست ایقانست عدالت
 است دیانت است مروّتست امانتست محبة الله است مواسات در حالست رحم بر فقیرانست و فریاد
 رسی مظلومان و انفاق بر بیچارگان و دستگیری افتادگانست پاکی و آزادگی و افتادگی است و حلم و
 صبر و ثباتست این اخلاق رحمانیست این احکام ابداً نسخ نمیشود بلکه تا ابد الابد مرعی و برقرار
 است . این فضائل عالم انسانی در هر دوری از ادوار تجدید گردد زیرا در اواخر هر دوره ای شریعة الله
 روحانی یعنی فضائل انسانی از میان میرود و صورتش باقی میماند . مثلاً در میان یهود در اواخر دور
 موسوی مقارن ظهور عیسوی شریعة الله از میان رفت صورتی بدون روح باقی ماند قدس الاقداس از
 میان رفت و سخن خارج قدس که عبارت از صورت شریعت است در دست امّتها افتاد و همچنین
 اصل شریعت حضرت مسیح که اعظم فضائل عالم انسانیست از میان رفته و صورتش در دست

قسیسین و رهابین مانده و همچنین اساس شریعت محمد از میان رفته و صورتش در دست علمای
 رسوم مانده آن اساس شریعة الله که روحانی و فضائل عالم انسانیت غیر منسوخ و باقی و برقرار و در
 دوره هر پیغمبری تجدید میگردد . باری قسم ثانی از شریعة الله که تعلق بعالم جسمانی دارد مثل صوم و
 صلوة و عبادات و نکاح و طلاق و عتاق و محاکمات و معاملات و مجازات و قصاص بر قتل و ضرب و
 سرقت و جروحات این قسم از شریعت که تعلق بجسمانیات دارد در هر دوری از ادوار انبیا تبدیل و
 تغییر یابد و منسوخ گردد زیرا در سیاسات و معاملات و مجازات و سائر احکام باقتضای زمان لابد از
 تغییر و تبدیلیست . باری از کلمه قدس الاقداس مقصد آن شریعت روحانیّه است که ابداً تغییر و تبدیل
 نمیکند و منسوخ نمیشود و مقصد از شهر مقدّس شریعت جسمانیّه است که منسوخ میشود و این
 شریعت جسمانیّه که تعبیر بشهر مقدّس فرموده هزار و دویست و شصت سال پایمال میشود . و بدو
 شاهد خود خواهم داد که پلاس پوشیده مدّت هزار و دویست و شصت روز نبوت نمایند . مقصود از
 این دو شاهد حضرت محمد رسول الله و جناب علی بن ابی طالبست . در قرآن مذکور است که خدا
 بجمّد رسول الله خطاب میفرماید " اِنَّا جَعَلْنَاكَ شَاهِدًا وَّ مُبَشِّرًا وَّ نَذِيرًا " یعنی تو را شاهد و تبشیر دهنده
 و تخویف کننده از قهر خدا قرار دادیم معنی شاهد این است که امور بتصدیق او ثابت میگردد و این دو
 شاهد احکامشان هزار و دویست و شصت روز که هر روز عبارت از یک سالست جاریست . اما
 حضرت محمد اصل بود و علی فرع مثل حضرت موسی و یوشع . میفرماید (آن دو شاهد پلاس در بر
 کرده) یعنی بظاهر لباس جدیدی در بر ندارند لباس قدیم دارند یعنی در بدایت در انظار ملل سائره
 رونقی ندارند و امرشان امر جدیدی بنظر نیاید زیرا روحانیّات شریعتش مطابق روحانیّات حضرت
 مسیح در انجیل است و احکام جسمانیّاتش اغلب مطابق احکام تورات است لباس قدیم کتایه از
 آنست . بعد میفرماید " اینانند دو درخت زیتون و دو چراغدان که در حضور خداوند زمین ایستاده‌اند .
 این دو نفسرا بدو درخت زیتون تشبیه میفرماید زیرا در آن زمان چراغهای شب جمیع بروغن زیتون
 روشن میشد دو نفس که از آنان دهن حکمت الهیه که سبب روشنائی عالم است ظاهر خواهد گشت
 و انوار الهی ساطع و لامع خواهد شد لهذا بچراغدان نیز تشبیه شدند چراغدان محلّ نور است از آن نور
 ساطع میشود بهمین قسم از این وجوه نورانیّه نور هدایت مشرق و لائح است . بعد میفرماید که " در
 حضور خداوند ایستاده‌اند " یعنی بخدمت حق قیام دارند و خلق خدا را تربیت میکنند مثل آنکه قبائل
 عربان متوحّش بادیه را در جمیع جزیره العرب چنان تربیت نمودند که در آن زمان باعلی مراقی مدنیّت
 رسیدند و صیت و شهرتشان جهانگیر شده . " و اگر کسی بخواهد بدیشان اذیت رساند آتشی از دهانشان
 بدر شده دشمنان ایشانرا فرو میگیرد . " مقصد اینست که نفسی مقاومت ایشان نتواند یعنی اگر نفسی
 بخواهد در تعلیماتشان و یا در شریعتشان وهنی وارد آرد بموجب شریعتی که از دهانشان اجمالاً و تفصیلاً

ظاهر شده احاطه بآنها کند آنها را تمام نماید و هر کس قصد اذیت و بغض و عداوت ایشان کند حکمی از دهان ایشان صادر شود که دشمنان ایشان را محو نماید چنانچه واقع گشت که جمیع اعدای ایشان مغلوب و مهزوم و معدوم گشتند و بظاهر ظاهر خدا آنانرا نصرت فرمود . بعد میفرماید " اینها قدرت بر بستن آسمان دارند تا در ایام نبوت ایشان باران نبارد " یعنی در آن دوره سلطنت یعنی شریعت و تعالیم حضرت محمد و بیان و تفسیر علی فیض آسمانیست چون بخواهند این فیض را بدهند مقتدر بر آند و چون خواهند باران نبارد باران در اینجا بمعنی فیض است . بعد میفرماید " و قدرت بر آنها دارند که آنها را بخون تبدیل نمایند " یعنی نبوت حضرت محمد چون نبوت حضرت موسی است و قوت حضرت علی چون قوت حضرت یوشع است که اگر خواهند آب نیل را بر قبطیان و منکران خون نمایند یعنی آنچه سبب حیات آنانست بسبب جهل و استکبارشان علت موت آنان نمایند مثلاً سلطنت و ثروت و قدرت فرعون و فرعونیان که سبب حیات آن قوم بود از اعراض و انکار و استکبار علت موت و هلاکت و اضمحلال و ذلت و مسکنت گردید لهذا آن دو شاهد اقتدار بر اهلاک اقوام دارند . و میفرماید " جهانرا هر گاه بخواهند بانواع بلایا مبتلی خواهند کرد " یعنی قدرت و غلبه ظاهریه نیز دارند که اشقیاء و نفوسی که ظلم و اعتساف صرفند آنانرا تربیت نمایند زیرا خدا باین دو شاهد قدرت ظاهره و قوت باطنه عنایت فرموده چنانچه اشقیاء و خونخواران و ستمکاران عربان بادیه را که مانند ذئاب و سباع درنده بودند تأدیب نمودند و تربیت کردند . بعد میفرماید " و چون شهادت خود را باتمام رسانند " یعنی چون آنچه را که مأمورند مجری دارند و تبلیغ رسالات الهیه نمایند و ترویج شریعت الله کنند و تعالیم سماویّه منتشر کنند تا آثار حیات روحانی در نفوس پدیدار گردد و انوار فضائل عالم انسانی بتابد و ترقیات کلیّه در اقوام بادیه حاصل گردد ، میفرماید " آن وحش که از هاویه بر میاید با ایشان جنگ کرده غلبه خواهد یافت و ایشانرا خواهد کشت " . مقصد از این وحش بنوامیه است که از هاویه ضلالت هجوم نمودند و همچنین واقع گشت که بنوامیه بر شریعت محمدیه و حقیقت علویه که محبه الله باشد هجوم نمودند و میفرماید با این دو شاهد جنگ نمود مراد جنگ روحانی یعنی بکلی مخالف تعلیمات و روش و سلوک آن دو شاهد حرکت نمایند و فضائل و کمالاتی که بقوه آن دو شاهد در میان اقوام و قبائل منتشر شده بود بکلی زائل و شئون حیوانیه و شهوات نفسانیّه غالب خواهد گشت لهذا آن وحش با ایشان جنگ کرده غلبه خواهد یافت یعنی ظلمت ضلالت آن وحش آفاق عالم را استیلا خواهد نمود و آن دو شاهد را خواهد کشت یعنی حیات روحانی ایشانرا در بین ملت محو خواهد کرد و بکلی آن شرایع و تعلیمات الهیه را از میان خواهد برد و دین الله را پایمال خواهد نمود و باقی نخواهد ماند مگر یک جسد مرده بی روحی . بعد میفرماید " و بدنهای ایشان در شارع عام شهر عظیم که بمعنی روحانی بسدوم و مصر مسمی است جائی که خداوند ایشان نیز مصلوب گشت خواهد ماند " مقصود از بدنهای ایشان

شریعة الله است و مقصود از شارع عام معرض عمومی است و مقصود از سدوم و مصر جائی که خداوند ایشان نیز مصلوب گشت این قطعه سوریه است و بالاخص اورشلیم چونکه بنی امیه در اینجا سلطنت داشتند و شریعة الله و تعالیم الهیه اول در اینجا از میان رفت و یک جسد بی روحی باقی ماند و مقصود از بدنهای ایشان شریعة الله است که مثل جسد مرده بی روح مانده بود . بعد میفرماید " و گروهی از اقوام و قبائل و زبانها و امتهای بدنهای ایشانرا سه روز و نیم نظاره میکنند ولی اجازت نمیدهند که بدنهای ایشانرا بقبر سپارند ". چنانچه از پیش بیان شد که باصطلاح کتب مقدسه سه روز و نیم عبارت از سه سال و نیم است و سه سال و نیم عبارت از چهل و دو ماه و چهل و دو ماه عبارت از هزار و دویست و شصت روز است و هر روز بنص کتاب مقدس عبارت از یک سالست یعنی هزار و دویست و شصت سال که عبارت از دوره فرقانست امتهای و قبائل و اقوام جسد ایشانرا نظاره میکنند یعنی شریعة الله را تماشا میکنند لکن بموجب آن عمل نمینمایند ولی اجازت نمیدهند که بدنهای ایشان یعنی شریعة الله بقبر سپرده شود یعنی اینها بظاهر بشریعة الله تشبث نمایند و نگذارند که بکلی از میان برود و جسد بکلی محو و نابود گردد بلکه بحقیقت ترک نمایند ولی بظاهر شریعة الله را ذکر و اسمی باقی بگذارند . و مقصود از این قبائل امم و مللی بود که در ظل قرآن محشور هستند که نگذارند بکلی امر الله و شریعة الله بظاهر ظاهر نیز محو و نابود گردد چنانچه نماز و روزه ای در میان بود ولی اس اساس دین الله که آن اخلاق و رفتار و اسرار و روحانیات است از میان رفت انوار فضائل انسانی که از نتایج محبة الله و معرفة الله است غروب نمود و ظلمات ظلم و اعتساف و شهوات و رذائل شیطانی غالب گشت و شخص شریعة الله چون جسد مرده در معرض عمومی موجود بود و در مدت هزار و دویست و شصت روز که هر روزی عبارت از یک سال است و این مدت دور محمدیست آنچه این دو نفر تأسیس کردند و اساس شریعة الله بود امت از دست دادند فضائل عالم انسانی را که مواهب الهیه و روح این شریعت بود آنرا محو کردند بقسمی که صداقت و عدالت و محبت و الفت و تنزیه و تقدیس و انقطاع جمیع صفات رحمانیه از میان رفت از شریعت یک صلوة و صیام باقی ماند و ۱۲۶۰ سال که عبارت از دوره فرقانست این حال امتداد یافت و مانند آن بود که این دو شخص فوت شده باشند و جسدشان بی روح باقی مانده باشد . بعد میفرماید " و ساکنان زمین بر ایشان خوشی و شادمانی کنند و نزد یکدیگر هدایا خواهند فرستاد از آن رو که این دو نبی ساکنان زمین را معذب ساختند " مقصود از ساکنان زمین ملل و اقوام سائر چون امم اروپا و اقصى بلاد آسیاست که چون ملاحظه نمودند که اخلاق اسلام بکلی تغییر کرده و شریعة الله را ترک نموده اند و فضائل و حمیت و غیرت از میان رفت اخلاق تبدیل یافت خوشی و شادی نمودند که فساد اخلاق در ملت اسلام حاصل گشت مغلوب اقوام سائر خواهند شد چنانچه این قضیه در کمال وضوح ظاهر شد . ملاحظه مینمائید که این ملت که در نهایت

درجه اقتدار بود حال چگونه اسیر و ذلیل گشته و اقوام سائره نزد یکدیگر هدایا فرستادند یعنی معاونت یکدیگر نمودند زیرا این دو نبی ساکنان زمین را معذب ساختند یعنی ملل و اقوام سائره عالم را غالب شدند و مغلوب نمودند . بعد میفرماید " بعد از سه روز و نیم روح حیات از خداوند بدیشان در آمد که بر پاهای خود ایستادند و بینندگان ایشانرا خوفی عظیم فرو گرفت " . سه روز و نیم یعنی ۱۲۶۰ سال چنانکه تفصیلش از پیش گذشت آن دو شخص که جسمشان بی روح افتاده بود یعنی تعالیم و شریعتی که حضرت محمد تأسیس و حضرت علی ترویج کرده بود و حقیقتشان از میان رفته بود و صورتی باقی مانده بود دوباره روحی بآن جسد آمد یعنی آن اساس و تعالیم دوباره تأسیس شد یعنی روحانیات شریعه الله که بجسمانیات و فضائلی که بر ذائل و محبة الله که بیغضاء و نورانیتی که بظلمات و اخلاق رحمانی که بشیطانی و عدلی که بظلم و رحمتی که بیغض و صدقی که بکذب و هدایتی که بضاللت و طهارتی که بشهوات نفسانیه تبدیل شده بود بعد از سه روز و نیم که باصطلاح کتب مقدسه ۱۲۶۰ سالست دوباره آن تعالیم الهیه و فضائل و کمالات رحمانیه و فیوضات روحانیه بظهور حضرت اعلی و تبعیت جناب قدوس تجدید شد و نفحات قدس وزید و انوار حقیقت تابید و موسم بهار جان پرور رسید و صبح هدایت دمید آن دو جسم بی جان دوباره زنده شدند و این دو بزرگوار یکی مؤسس و دیگری مروج قیام کردند و دو چراغدان بودند زیرا بنور حقیقت جهانرا روشن نمودند . بعد میفرماید " آوازی از آسمان شنیدند که بدیشان میگوید باینجا صعود نمائید پس در ابر باآسمان بلند شدند " یعنی ندای حق را از آسمان پنهان شنیدند که آنچه باید و شاید از تعلیم و تبشیر مجری داشتید و پیام مرا بخلق رسانیدید و ندای حق را بلند نمودید و تکالیف خود را مجری داشتید حال باید مانند مسیح جانرا فدای جانان کنید و شهید گردید و آن آفتاب حقیقت و قمر هدایت هر دو مانند حضرت مسیح در افق شهادت کبری غروب نموده باآسمان ملکوت صعود نمودند . بعد میفرماید " و دشمنانشان ایشان را دیدند " یعنی دشمنان ایشان بسیاری بعد از شهادت مشاهده علو منزلت و سمو منقبت ایشانرا نمودند و شهادت بر عظمت و کمالات آنان دادند . بعد میفرماید " و در همان ساعت زلزله عظیم حادث گشت که ده یک از شهر منهدم گردید و هفت هزار نفر از زلزله هلاک شدند " این زلزله در شیراز بعد از شهادت حضرت اعلی واقع گردید که شهر زیر و زبر شد و نفوس بسیاری هلاک شدند و همچنین اضطراب شدید از امراض و وبا و قحط و غلا و جوع و ابتلا حاصل گشت که مثل و مانند نداشت . بعد میفرماید " و باقی ماندگان ترسان گشته خدای آسمانرا تمجید کردند " . چون زلزله در فارس واقع جمیع بازماندگان شب و روز ناله و فغان مینمودند و بتمجید و تسبیح مشغول و چنان خائف و مضطرب بودند که شبها خواب و راحت نداشتند . پس میفرماید " وای دوم در گذشته است اینک وای سوم بزودی میآید " وای اول ظهور حضرت محمد بن عبد الله علیه السلام وای دوم حضرت اعلی له المجد و الثناء وای سوم یوم عظیم

است که یوم ظهور ربّ جنود و تجلّی جمال موعود است و بیان این مطلب در کتاب حزقیال فصل سیام مذکور است چنانچه میفرماید " و کلام خداوند بر من نازل شده گفت ای پسر انسان نبوت کرده بگو خداوند یهوه چنین میفرماید ولوله کنید و بگوئید وای بر آروز زیرا که آروز نزدیکست و روز خداوند نزدیکست ". پس معلوم شد که روز وای روز خداوند است زیرا در آروز وای بر غافلانست وای بر گنه کارانست وای بر جاهلانست اینست که میفرماید وای دوم در گذشت اینک وای سوم بزودی میآید و این وای سوم روز ظهور جمال مبارکست یوم الله است و نزدیکست بیوم ظهور حضرت اعلی . بعد میفرماید " و فرشته هفتم بنواخت که ناگاه صداهای بلند در آسمان واقع شده که میگفتند سلطنت جهان از آن خداوند ما و مسیح او شد و تا ابد الابد حکمرانی خواهد کرد ". آن فرشته انسانست که بصفات ملکوتیه متّصف که بخلق و خوی فرشتگان مبعوث شود و ندهائی بلند شود که ظهور مظهر الهی نشر و اعلان شود که یوم ظهور ربّ جنود است و دوره دوره رحمانی حضرت پروردگار و در جمیع کتب و صحف انبیا موعود و مذکور که در آن یوم خداوند سلطنت الهیه روحانیه تشکیل میشود و جهان تجدید میگردد و روح جدیدی در جسم امکان دمیده میشود و موسم بهار الهی آید ابر رحمت بیارد و شمس حقیقت بتابد و نسیم جان پرور بوزد و عالم انسانی قیص تازه در بر نماید روی زمین بهشت برین گردد عالم بشر تربیت شود جنگ و جدال و نزاع و فساد از میان برخیزد و راستی و درستی و آشتی و خدا پرستی بمیان آید و الفت و محبّت و یگانگی جهانرا احاطه کند و خداوند تا ابد الابد حکمرانی خواهد کرد یعنی سلطنت روحانیه ابدیه تشکیل میشود و آن یوم الله است . زیرا جمیع ایّامی که آمده و رفته است ایّام موسی بوده ایّام مسیح بوده ایّام ابراهیم بوده و همچنین ایّام سائر انبیا بوده اما آن یوم الله است زیرا شمس حقیقت در نهایت حرارت و اشراق طلوع خواهد کرد . بعد میفرماید " و آن بیست و چهار پیر که در حضور خدا بر تختهای خود نشسته اند بروی در افتاده خدا را سجده کردند و گفتند ترا شکر ای خداوند خدای قادر مطلق که هستی و بودی و خواهی آمد زیرا که قوتّ عظیمه بدست گرفته بسطنت پرداختی ". و در هر دوری اوصیا و اصفیا دوازده نفر بودند در ایّام حضرت یعقوب دوازده پسر بودند و در ایّام حضرت موسی دوازده نقیب رؤسای اسباط بودند و در ایّام حضرت مسیح دوازده حواری بودند و در ایّام حضرت محمد دوازده امام بودند . و لکن در این ظهور اعظم بیست و چهار نفر هستند دو برابر جمیع زیرا عظمت این ظهور چنین اقتضا نماید این نفوس مقدّسه در حضور خدا بر تختهای خود نشسته اند یعنی سلطنت ابدیه میکنند و این بیست و چهار نفوس بزرگوار هر چند بر سریر سلطنت ابدیه استقرار دارند با وجود این بآن مظهر ظهور کلی ساجدند و خاضع و خاشع و گویند که ترا شکر میکنیم " ای خداوند قادر مطلق که بودی و هستی و خواهی آمد زیرا قوتّ عظیم خود را بدست گرفته بسطنت پرداختی " یعنی تعلیمات خود را بتمامه اجرا خواهی کرد

و جميع من على الارض را در ظلّ خویش جمع خواهی نمود و تمام بشر را در سایه یک خیمه خواهی آورد . و هر چند سلطنت دائماً لله بوده و همیشه خدا سلطنت داشته و دارد و لکن در اینجا مقصد سلطنت مظهر نفس اوست که جمیع احکام و تعالیمی که روح عالم انسانی و حیات ابدیست اجرا خواهد کرد و آن مظهر کلّ بقوای روحانیّه جهانرا بگشاید نه بجنگ و جدال و بصلح و سلام بیاراید نه بسیف و سنان و این سلطنت الهیّه را بحبّت صحیحه تأسیس کند نه بقوّت حرّیه و این تعالیم الهیّه را بمهربانی و صلاح ترویج نماید نه بدرشتی و سلاح و چنان تربیت کند که امم و ملل هر چند در تباین احوال و اختلاف عادات و اخلاق و تنوع ادیان و اجناس مانند گرگ و بره و مار و طفل شیر خواره و پلنگ و بزغاله‌اند با هم همدم و هم آغوش و هم راز گردند بکلّ منافرت جنسی و مخالفت دینی و مباحثه ملی زائل و کلّ در ظلّ شجره مبارکه نهایت الفت و التیام خواهند یافت . بعد میفرماید " و امّتها خشمناک شدند " زیرا که تعالیم تو مبین هوای نفسانی سائر ملل بود ، " غضب تو ظاهر گردید " یعنی کلّ بخسران مبین مبتلی شدند زیرا متابعت وصایا و نصایح و تعالیم تو نمودند و از فیض ابدی تو محروم گشتند و از انوار شمس حقیقت محبوب شدند . بعد میفرماید " و وقت مردگان رسید تا بر ایشان داوری شود " یعنی وقت آن رسید که مردگان یعنی نفوسی که از روح محبّه الله محروم و از حیات مقدّس ابدیه بی نصیب هستند بعدالت حکم شوند یعنی بآنچه استحقاق و استعداد دارند مبعوث گردند و حقیقت این اسرار را واضح گردانی که در چه درجه پستی در عالم وجود هستند که فی الحقیقه حکم اموات دارند . بعد میفرماید " تا بندگان یعنی انبیا و مقدّسان و ترسندگان نام خود را چه کوچک و چه بزرگ اجرت دهی " یعنی تا ابرار را بفضل بی منتهی مختصّ بگردانی و آنانرا مانند ستاره‌های آسمانی از افق عزّت قدیمه درخشنده فرمائی بروش و سلوکی موفق فرمائی که روشنی عالم انسانیت و سبب هدایت و علّت حیات ابدیه در ملکوت یزدانی . بعد میفرماید " و مفسدان زمین را فاسد گردانی " یعنی نفوس غافله را بکلّ محروم کنی زیرا کوری کوران ظاهر گردد و بینائی بینایان آشکار شود جهل و نادانی اهل ضلالت مشهود شود و علم و دانائی اهل هدایت واضح گردد و از اینجهت مفسدان فاسد شوند . بعد از این مقام میفرماید " و قدس خدا در آسمان مفتوح گشت " یعنی اورشلیم الهی پیدا شد و قدس الاقداس ظاهر گشت قدس الاقداس در اصطلاح اهل عرفان جوهر شریعت الهی و تعالیم حقیقی ربّانی است که در هیچ دوری از ادوار انبیا تغییر نیافته است چنانچه از پیش بیان شد و اورشلیم شامل حقیقت شریعت الهیّه است که قدس الاقداس است و جامع احکام و معاملات و عبادات و قوانین جسمانیّه است که شهر اورشلیم است این است که اورشلیم آسمانی گفته میشود خلاصه چون در آن دوره شمس حقیقت انوار الهی در نهایت سطوع درخشنده گردد لهذا جوهر تعالیم الهی در عالم امکانی تحقق یابد و ظلمات جهل و نادانی زائل گردد جهان جهان دیگر شود و نورانیت احاطه نماید لهذا قدس الاقداس ظاهر

گردد . بعد میفرماید " و قدس خدا در آسمان مفتوح گشت " یعنی بسبب انتشار این تعالیم الهیه و ظهور این اسرار ربّانیّه و اشراق شمس حقیقت ابواب فلاح و نجات در جمیع جهات مفتوح گردد و آثار خیر و برکات سماویّه آشکار شود . بعد میفرماید " و تابوت عهد نامه او در قدس او ظاهر شد " یعنی کتاب عهد او در قدس او ظاهر شود و لوح میثاق ثبت گردد و معانی عهد و پیمان آشکار شود صیت الهی شرق و غرب گیرد و آوازه امر الله جهانگیر شود اهل نقض خوار و ذلیل شوند و اهل ثبوت عزیز و جلیل گردند زیرا بکتاب عهد متمسکند و در میثاق ثابت و مستقیم . بعد میفرماید " و برقها و صداها و رعدها و زلزله و تگرگ عظیمی حادث شد " یعنی بعد از ظهور کتاب عهد طوفان عظیمی پیدا شود و برق قهر و غضب الهی درخشد و صدای رعد نقض میثاق بلند گردد و زلزله شبّهات حاصل شود و تگرگ عذاب بر ناقضین میثاق بیارد و مدعیان ایمان بفتنه و امتحان افتند .